

## The Components of Woman's Economic Empowerment from the Perspective of the Qur'an

Mohammad Molavi<sup>1</sup>

Amir Jabbari<sup>2</sup>

Fariba Parvinian<sup>3</sup>

### ABSTRACT

One of the important social issues in the contemporary era is the ones related to woman and her social position from the viewpoint of religious teachings. According to the Qur'an, man and woman are humanly equal and have social authority and status. The present research aims to analyze the components of women's economic empowerment from the perspective of the Holy Qur'an, using a descriptive-analytical method and library tools.

The findings of the research show that from the perspective of the Qur'an, woman, like man, can have the components and resources of economic power and thus gain personal and social power. Some of the most important of them are: the ability to obtain income and own property, the necessity of paying dowry when a woman requests it, the equality of man and woman in accessing social positions and status, the right to obtain the highest level of education, having the authority and power to dispose of personal property, the right to progress and find social status and power in all personal and social dimensions, having the authority and ability to take responsibility and the right to have a job that suits her dignity. Some of the Qur'anic documentations of the components are: the generalization of the evidences of the legitimacy of ownership and acquisition in the Qur'an (Al-Hijr: 21; Al-A'raf: 9; Al-Baqarah: 168; Taha: 81; Qaf: 11; Al-Mulk: 15) and also the generalization of the evidences of the delegation of God's power to all humans, which includes financial power (Al-Munafiqun: 8) and the permission of a woman to take money for breastfeeding a baby (Al-Baqarah: 233; Al-Talaq: 6).

**KEYWORDS:** Woman, Power, Economic Empowerment, Gender, Gender Differences, Components of Economic Empowerment.

1- Associate Professor, Qur'an and Hadith Sciences Department, Imam Khomeini International University, Qazvin, Iran (corresponding author), molavi@isr.ikiu.ac.ir

2- Postgraduate student in Qur'an and Hadith Sciences, Imam Khomeini International University, Qazvin, Iran, amirjabari1478@gmail.com

3- PhD student in Women's Studies, Qom University of Religions and Denominations, Qom, Iran, parvinian@org.ikiu.ac.ir





تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۰/۰۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۰۲

20.1001.1.27833542.1402.3.4.6.6

10.22034/arq.2023.190747

نوع مقاله: پژوهشی

## مؤلفه‌های اقتدار اقتصادی زن از منظر قرآن

محمد مولوی<sup>۱</sup>

امیر جباری<sup>۲</sup>

فریبا پروینیان<sup>۳</sup>

### چکیده

یکی از مسائل مهم اجتماعی در دوران معاصر، مسائل مربوط به زنان و جایگاه اجتماعی آنان از نظر آموزه‌های دینی است. از منظر قرآن، زن و مرد از جهت انسانی باهم برابر و دارای قدرت و جایگاه اجتماعی هستند. پژوهش پیش‌رو، با روش توصیفی - تحلیلی و با استفاده از ابزار کتابخانه‌ای درصدد تحلیل مؤلفه‌های قدرت و اقتدار اقتصادی زن از منظر قرآن کریم است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد از نظرگاه قرآن زنان نیز مانند مردان می‌توانند دارای مؤلفه‌ها و منابع اقتدار اقتصادی باشند و از این طریق اقتدار فردی و اجتماعی کسب نمایند. برخی از مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از: شایستگی درآمدزایی و تملک اموال، ضرورت پرداخت مهریه هنگام درخواست آن توسط زن، برابری زن و مرد در دسترسی به جایگاه و مناصب اجتماعی، حق تحصیل تا کسب بالاترین مراتب علم، داشتن اختیار و قدرت تصرف در اموال شخصی، حق پیشرفت و یافتن جایگاه و قدرت اجتماعی در همه ابعاد فردی و اجتماعی، داشتن اختیار و توان مسئولیت‌پذیری و حق داشتن شغل مناسب با شأن خویش. برخی از

۱- دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران (نویسنده مسؤول)،

molavi@isr.ikiu.ac.ir

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران،

amirjabari1478@gmail.com

۳- دانشجوی دکتری مطالعات زنان، دانشگاه ادیان و مذاهب قم، قم، ایران، parvinian@org.ikiu.ac.ir



This work is licensed under a Creative Commons Attribution 4.0 International License.

مستندات قرآنی مؤلفه‌ها عبارت‌اند از: تمسک به عمومیت ادله مشروعیت تملک و تَكْسُب در قرآن (الحجر: ۲۱؛ الاعراف: ۹؛ البقره: ۱۶۸؛ طه: ۸۱؛ ق: ۱۱؛ الملک: ۱۵) عمومیت ادله تفویض قدرت خداوند به همه انسان‌ها که شامل قدرت مالی نیز است (المنافقون: ۸) و جواز پول گرفتن زن برای شیر دادن نوزاد (البقره: ۲۳۳؛ الطلاق: ۶).

**واژگان کلیدی:** زن، قدرت، اقتدار اقتصادی، جنسیت، تفاوت‌های جنسیتی، مؤلفه‌های اقتدار اقتصادی.

## ۱. بیان مسئله

دستیابی زنان - به‌عنوان نیمی از افراد جامعه - به منابع قدرت نظیر منابع مالی، فرصت‌های شغلی و حقوق اجتماعی و تدبیر در تصمیم‌گیری‌های مهم خانواده و جامعه، اصلی است که در بسیاری از جوامع بشری به سطح مساوی با مردان نرسیده است و شاید بتوان گفت چالشی است که مکاتب، مذاهب و فرهنگ‌های مختلف می‌توانند در ایجاد آن نقش مهمی را ایفا نمایند. از نگاه برخی مکاتب دسترسی نابرابر به منابع نه‌تنها تبعیض بین مردان و زنان تلقی نمی‌شود، بلکه آن را مبتنی بر مصالح جامعه می‌دانند. در اغلب ادیان مانند مسیحیت، یهودیت و هندوئیسم، اعتبار جنسیت مردانه و اقتدار او در جامعه چنان اثری بر جای گذاشته که انسانی که مرد خلق می‌شود حرمت و مزایای حقوقی بسیاری را دریافت نموده و از آن بهره‌مند می‌شود، این در حالی است که درباره زن چنین جایگاهی وجود ندارد. به سخنی دیگر؛ زن در جامعه کنونی غرب یک ابزار در جهت رفع انواع تمتعات است تا آنجا که برای فروش بهتر اجناس و کالاهایشان با وضعیتی مستهجن از زنان استفاده می‌کنند و آن را موجودی بی‌هویت و محروم از خدمات می‌دانند.

برای مثال آنچه در رساله‌های تعلیمی مسیحیت وجود دارد، به‌خصوص رساله‌هایی که از نسل دوم و سوم مسیحیان در کتاب مقدس به‌جای مانده است، بیشتر مؤید آن است که زنان در دین مسیحیت نسبت به مردها جایگاهی ثانوی، پست و فرمان‌بر داشته‌اند و حق تعلیم و موعظه مردان را ندارند (هولم،

۱۹۲۲ م: ۱۱۴)، یا اختلاف عقیده‌ای که در میان دانشمندان یهودی دوره تلمودی در مورد تحصیل و دانش‌اندوزی زنان وجود داشت حتی تا قرن بیستم نیز ادامه یافته تا همین اواخر نیز بین تعلیم و تحصیل زنان و مردان نابرابری وجود داشت (همان: ۲۰۴). برخی نیز این‌گونه تبعیض‌ها را ناشی از قرائت مردسالارانه از دین دانسته‌اند (پارسا، ۱۳۹۴: ۵۷). این در حالی است که از منظر دین اسلام زن مانند مرد و هر انسانی چه مرد و چه زن فردی است که در ماده و عنصر او دو نفر نر و ماده شرکت داشته و هیچ‌یک از این دو جز در تقوا و پرهیزگاری بر دیگری برتری ندارد. خداوند در قرآن در این باره می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ» (الحجرات: ۱۳)؛ ای مردم، ما شما را از مرد و زنی آفریدیم و شما را ملت ملت و قبیله قبیله گردانیدیم تا یکدیگر را بشناسید. در حقیقت ارجمندترین شما نزد خدا پرهیزگارترین شماست. بی‌تردید خداوند، دانای آگاه است.

از نگاه شهید مطهری، اسلام دینی است پیشرو و پیش برنده، قرآن کریم برای اینکه مسلمانان را متوجه کند که همواره باید در پرتو اسلام در حال رشد و تکامل باشند، مثلی می‌آورد و می‌گوید: مثل مسلمان مثل دانه‌ای است که در زمین کاشته شود. آن دانه ابتدا به صورت برگ نازکی از زمین می‌روید سپس خود را نیرومند می‌سازد سپس روی ساقه خویش می‌ایستد، آن‌چنان با سرعت و قوت این مراحل را طی می‌کند که کشاورزان را به شگفت می‌آورد، این مثلی است از جامعه‌ای که منظور قرآن است، نموداری است از آنچه آرزوی قرآن است؛ قرآن، اجتماعی را پی‌ریزی می‌کند که دائماً در حال رشد و توسعه و انبساط و گسترش است و این پویایی و رشد و تکامل در ابعاد فردی و اجتماعی در همه انسان‌ها اعم از مرد و زن وجود دارد. این‌گونه نگاه قرآن به پویندگی و حرکت، غیرمسلمانان را نیز به اقرار واداشته، آنجا که ویل دورانت در این باره گفته است: «هیچ دینی مانند اسلام پیروان خویش را به نیرومندی و قدرتمند شدن دعوت نکرده است» (مطهری، ۱۳۷۶: ۹۹)، این امر از آن روست که از منظر قرآن زن و مرد از لحاظ کرامت انسانی برابری دارند و در آفرینش آن‌ها تبعیضی وجود ندارد: «أَنْتِ لَا أُضِيعُ عَمَلَ عَامِلٍ مِّنْكُمْ مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْتِ بَعْضُكُمْ مِّنْ بَعْضٍ» (آل عمران:

(۱۹۵): من عمل هیچ کسی از شما را، اعم از مرد یا زن تباه نمی‌کنم. شما همگی از یکدیگر بگریزید؛ همچنین می‌فرماید: «إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْقَانِتِينَ وَالْقَانِتَاتِ وَالصَّادِقِينَ وَالصَّادِقَاتِ وَالصَّابِرِينَ وَالصَّابِرَاتِ وَالْخَاشِعِينَ وَالْخَاشِعَاتِ وَالْمُتَصَدِّقِينَ وَالْمُتَصَدِّقَاتِ وَالصَّائِمِينَ وَالصَّائِمَاتِ وَالْحَافِظِينَ فُرُوجَهُمْ وَالْحَافِظَاتِ وَالذَّاكِرِينَ اللَّهَ كَثِيراً وَالذَّاكِرَاتِ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْراً عَظِیْماً» (الاحزاب: ۳۵)؛ به یقین مردان مسلمان و زنان مسلمان، مردان باایمان و زنان باایمان، مردان مطیع فرمان خدا و زنان مطیع فرمان خدا، مردان راست‌گو و زنان راست‌گو، مردان صابر و شکبیا و زنان صابر و شکبیا، مردان با خشوع و زنان با خشوع، مردان انفاق‌کننده و زنان انفاق‌کننده، مردان روزه‌دار و زنان روزه‌دار، مردان پاک‌دامن و زنان پاک‌دامن و مردانی که بسیار به یاد خدا هستند و زنانی که بسیار یاد خدا می‌کنند، خداوند برای همه آنان مغفرت و پاداش عظیمی فراهم ساخته است.

بنابراین، با توجه به آنچه گذشت روشن می‌شود که منطق قرآن درباره جایگاه فردی و اجتماعی زنان و قدرت و اقتدار آنان با بسیاری از مکتب‌های بشری تفاوت اساسی دارد و جایگاه والای زن را تبیین کرده است، درحالی که جهان غرب، زن را وسیله‌ای برای لذت و خودنمایی قرار داده است. با توجه به نگاه سیاه و ملعبه‌ای غرب به زنان، به کارگیری آنان در انواع فعالیت‌ها برای جذاب کردن آن، سوءاستفاده از ظرایف و عواطفشان (مطهری، ۱۳۸۴، ۱۹: ۳۲) فمینیسم را برای آزادی و برابری حقوق زن و مرد ایجاد کردند که به نوعی در آن زن یک عنصر هرزه و بی‌قیدوبند مطرح می‌شود و عدم تبعیض را در برابری انواع فعالیت‌های مردانه و زنانه می‌داند و به زن این حق را می‌دهد که مانند مرد سخت کار باشد (هیوود، ۱۳۸۶: ۳۰)؛ درحالی که در آموزه‌های دینی و معارف و حیانی زن دارای روحیه‌ای لطیف معرفی شده است که نباید به امور خشن واداشته شود. بیان امام علی (ع) در این باره کافی است که می‌فرماید: «فَإِنَّ الْمَرْأَةَ رِيحَانَةٌ وَلَيْسَتْ بِقَهْرْمَانَةٍ فَدَارِهَا عَلَى كُلِّ حَالٍ وَأَحْسِنِ الصُّحْبَةَ لَهَا لِيَصْفُو عَيْشُكَ» (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ۵: ۵۱۰)؛ در این بیان زن همچون گل لطیف معرفی شده که باید با او همیشه مدارا نمود و با نیکویی صحبت کرد و کارهای سخت بر عهده او گذاشته نشود. این که در بیان قرآن نیز

زن به‌عنوان عامل سکون و آرامش مرد معرفی شده است نشان‌دهنده آن است که این صفت ذاتی زن‌هاست و می‌تواند به دیگران نیز منتقل کند: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً» (الروم: ۲۱)؛ بنابراین، از آنجایی که درباره مسئله مورد بحث از نگاه قرآن - جز چند اثر محدود و نسبتاً کم‌مایه - اثری منقح و جامع تدوین نشده است؛ لذا، این پژوهش درصدد است تا با بررسی و تحلیل آیات قرآن کریم به تبیین دیدگاه قرآن درباره مؤلفه‌های اقتدار اقتصادی زن و منابع دسترسی به آن بپردازد. برای تقریر و تشریح بیشتر آیات قرآن، از روایات اهل بیت (ع) که به‌مثابه قرآن ناطق هستند نیز در لابه‌لای بحث استفاده شده است.

## ۲. مفهوم‌شناسی

ابتدا به بررسی و تبیین مفاهیم اصلی پژوهش که شامل مفهوم قدرت (اقتدار)، منابع قدرت، جنسیت و رابطه آن با قدرت پرداخته می‌شود، پس از روشن شدن این مفاهیم، به تبیین قدرت و منابع آن از منظر قرآن پرداخته می‌شود.

**اقتدار:** اقتدار مصدر باب افتعال از ریشه «قدر» به معنای توانمند شدن و قدرت یافتن است (معین، ۱۳۸۶، ۱: ۱۸۷) منابع اقتدار نیز شامل قدرت سیاسی، نظامی، فرهنگی، علمی و اقتصادی است. تمرکز پژوهش حاضر بر مؤلفه‌های اقتدار اقتصادی زن در نظام خانواده و جامعه است. در این پژوهش، اقتدار و قدرت تقریباً هم‌معنا در نظر گرفته شده است. قدرت از مؤلفه‌ها و عناصر اساسی و مهمی است که در عرصه‌های مختلف علمی، فلسفی، کلامی، دینی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و حقوقی و از جهات گوناگون ارزشی، بینشی، تکوینی، تشریحی، نظری و عملی جایگاه واقعی خود را دارد و البته تعاریف مختلفی نیز از آن شده است. برای نمونه ماکس وبر جامعه‌شناس و سیاست‌مدار معروف، قدرت را امکان تحمیل ارادی یک فرد بر رفتار دیگران تعریف کرده است (گالبرایت، ۱۳۷۱: ۸)، از نظر دانشمندان اسلامی، قدرت یک کیفیت نفسانی است که منشأ انجام کاری یا ترک آن خواهد شد؛ یعنی برای

او اقدام به کاری یا ترک آن به طور مساوی وجود دارد و برای انتخاب هر یک نیاز به مرجحانی دارد (صدرالدین شیرازی، ۱۳۶۴: ۲۶۸). در قرآن نیز قدرت دو گونه است: مشروع و نامشروع، در این باره آیات فراوانی در قرآن وجود دارد. از نظر قرآن قدرت مشروع از منبع صحیح اخذ و در مسیر اهداف درست به کار می‌رود، اهدافی همچون: تنظیم فعالیت‌ها و روابط صحیح اجتماعی در راه تحقق رشد و توسعه و رفاه اقتصادی، فرهنگی و ... رشد و هدایت معنوی و فراهم کردن زمینه به کمال رسیدن اخلاقی و انسانی؛ در مقابل، قدرت نامشروع است که از منابع نادرست سرچشمه گرفته و در جهت اهداف غیر صحیح به کار رفته و از وسایل نادرست نیز استفاده می‌کند (اسکندری، ۱۳۸۳: ۲۸). به طور کلی می‌توان گفت: «قدرت یعنی توانایی دارنده آن برای واداشتن دیگران به تسلیم در برابر خواست خود به هر شکلی» (داریوش آشوری، ۱۳۷۰: ۲۴۷) یا می‌توان گفت: «قدرت مجموعه‌ای از عوامل مادی و معنوی است که موجب به اطاعت درآوردن فرد یا گروه توسط فرد یا گروه دیگر می‌گردد» (عمید زنجانی، ۱۳۶۶، ۱: ۵۶). نتیجه کلام آنکه، آنچه در این پژوهش مدنظر است قدرت به همین معنای اخیر یعنی توان نفوذ بر دیگران است.

**منابع قدرت و اقتدار انسان:** نظریه منبع یکی از نظریاتی است که چگونگی شکل‌گیری قدرت و اقتدار انسان را از جنبه‌های گوناگون بررسی می‌کند با تأکید بر سه فرض عمده می‌کوشد تا به شناخت پدیده‌های اجتماعی دست یابد. این سه فرض عبارت‌اند از: الف) هر انسانی به طور مستمر می‌کوشد تا نیازهایش برآورده و مشتاق است تا به اهدافش برسد، ب) بسیاری از نیازهای انسان، با کنش متقابل اجتماعی برآورده می‌شود ج) طی این کنش‌های متقابل مبادله‌ی دائمی منابعی انجام می‌شود که در برآورده ساختن احتیاجات فرد و دستیابی به اهداف، نقش مؤثری را بازی می‌کنند. این نظریه بیانگر آن است که توازن قدرت در تصمیم‌گیری به طرف فردی خواهد بود که بااهمیت‌ترین منابع را در اختیار دارد (قندهاری، ۱۳۸۲: ۲۲).

بلاد و ولف ۱ در مطالعه خود دریافتند که قدرت شوهر در خانواده، عموماً با



افزایش سطح تحصیلات، درآمد و منزلت شغلی او افزایش می‌یابد؛ بنابراین، متغیرهای یادشده به‌عنوان منابعی که مردان می‌توانند از آن‌ها در جهت کسب قدرت بیشتر استفاده کنند، تعریف می‌شود. قدرت معمولاً از طریق فرآیند تصمیم‌گیری اندازه‌گیری می‌شود و بر اساس این نظریه، سطح تحصیلات، درآمد و پایگاه شغلی از متغیرهایی هستند که بر روی توزیع آن تأثیر می‌گذارند (میرزائی، ۱۳۹۴: ۷۳). مارک تاسیگ ۱ پایگاه اجتماعی، اقتصادی و نژاد و قومیت را عامل بسیار مهمی در زندگی افراد می‌داند. وی بر این باور است که تفاوت در تحصیلات، درآمد و شغل، تقریباً تمام جنبه‌های زندگی فرد را تحت تأثیر قرار می‌دهد. این سه عامل بر محل زندگی فرد، نحوه سازمان‌دهی زندگی و نوع تجارب فرد و همچنین دیدگاه کلی فرد نسبت به جهان تأثیر می‌گذارد (تاسیگ: ۱۳۸۶: ۵۷). وی احساس خوشبختی، سلامتی و رفاه را در این سه عامل بنانهاده و ابراز می‌دارد؛ در ایالات متحده سیاه‌پوستان به‌اندازه سفیدپوستان شاد و خوش‌بخت نیستند، بعضی از این تفاوت‌ها ممکن است به دلیل این باشد که درصد بیشتری از سیاه‌پوستان درآمد کمتر، تحصیلات پایین‌تر و مشاغل کم‌اعتبارتری دارند و براین باور است که درآمد، تحصیلات و شغل زمینه‌ساز قدرت بیشتر برای افراد است. او معتقد است تأثیر نژاد بر دسترسی به منابع قدرت بسیار شبیه به شیوه‌ای است که جنسیت بر دسترسی به منابع می‌گذارد. در واقع هرچه پایگاه‌های اقتصادی، اجتماعی و شغلی افراد بالاتر باشد آنان از قدرت بیشتری برخوردارند (همان).

**جنسیت و رابطه آن با قدرت:** از نظر آنتونی گیدنز ۲ بسیاری از ستیزه‌ها بر سر قدرت است (گیدنز، ۱۳۷۶: ۷۶۷). وی می‌گوید: «قادر بودن به کنترل اوضاع و احوال زندگی خویشتن، تضمینی کم‌وبیش موفقیت‌آمیز برای آینده است و زیستن در چارچوب پارامترهای جوامع برخوردار از مرجعیت درونی در بسیاری از موارد، موجب می‌شود که چارچوب‌های اجتماعی و طبیعی زندگی، زمینه‌های مطمئنی برای فعالیت و برنامه‌ریزی به نظر برسند (همان: ۲۸۲). از سویی قدرت به لحاظ تربیتی، تابع ساده‌ای از تفاوت‌های فیزیولوژیکی جنسی

- 1- Mark Tausing
- 2- Anthony Giddens



است؛ مناظره بین سرشت و تربیت وضعیت نابرابری را برای زنان پایه‌گذاری کرده و تا به امروز ادامه یافته است؛ برای مثال رسم رایج مبنی بر این که جایگاه طبقاتی بسیاری از زنان را وابسته به وضعیت اشتغال مردانی می‌دانند که با ایشان زندگی می‌کنند؛ بیانی‌هایی است در این باره که سرنوشت زنان و علایق و اعمال اجتماعی ایشان را موقعیت شغلی مردی که با او زندگی می‌کند، تعیین می‌کند، نه موقعیت خودشان. از نظر ایگر (۱۹۷۳) این موضوع نابرابری‌های میان مردان و زنان را ذاتی و اجتناب‌ناپذیر فرض می‌نماید (آبوت، ۱۳۸۰: ۴۵). نابرابری‌هایی که به همان اندازه که دسترسی به منابع قدرت را برای مردان توجیه می‌کند، تلاش برای به دست آوردن این منابع توسط زنان را، نامتعارف تلقی می‌نماید. اگر جنسیت یک شاخص پایگاهی است، بدین معنی است که دسترسی به منابع بر حسب جنسیت تغییر می‌کند (تاسیگ، ۱۳۹۱: ۴۸). از این رو، جنسیت عامل تعیین‌کننده‌ای در دسترسی فرد به منابع و امکانات است و جایگاه فرد بر اساس جنسیت او مشخص می‌شوند (تاسیگ، ۱۳۹۱: ۴۶). در آموزه‌های دینی نیز به منابع قدرت برای انسان توجه شده است. این منابع بر سه عامل استوار است: الف. عوامل غلبه و تسلط مانند ثروت، زور بازو و...؛ ب. عوامل وجاهت مانند علم، شجاعت، عدالت، تقوا، ایثار، فداکاری، خدمت به مردم و...؛ ج. عوامل صلاحیت و سندیت مانند تخصص و کارآمدی (اسکندری، ۱۳۸۳: ۲۴۰). شرح و تفصیل منابع و عوامل، مطالب پیش روی مقاله حاضر را تشکیل می‌دهد.

### ۳. پیشینه تحقیق

درباره مسئله مورد تحقیق، اثر مستقلى نگاشته نشده است. مقالاتی نیز که درباره جلوه‌های اقتدار زنان نوشته شده از منظرهای سیاسی، اجتماعی و یا حقوقی است و تقریباً مقاله خاصی که به تبیین مؤلفه‌های اقتدار اقتصادی زنان پرداخته باشد یافت نمی‌شود. برخی از مواردی که به تحلیل ابعاد اقتصادی پرداخته شده است نیز از جامعیت برخوردار نیست و به‌طور سطحی پرداخته شده یا زاویه دید نویسنده با مسئله مورد بحث کاملاً متفاوت است.

برای نمونه، طاهری نیا در مقاله «فعالیت اقتصادی زنان از دیدگاه قرآن»، (۱۳۸۳)

بر این نکته تمرکز نموده است که از نظر قرآن فعالیت اقتصادی زن جایز است و تلاش نموده نمونه‌هایی از آیات قرآن را برای این ادعا مطرح نماید. رضایی نیز در مقاله «اصول حاکم بر کار اقتصادی زنان از دید اسلامی»، (۱۳۸۶) پس از تبیین اشتغال زنان در نظریه‌های اقتصادی غربی از حیث تاریخی به معرفی نمونه‌هایی از فعالیت‌های اقتصادی در تاریخ اسلام پرداخته است. دو مقاله فوق اگرچه از نگاه قرآن بحث را کاویده است، ولی مستقیماً با مسئله مقاله پیش‌رو همپوشانی ندارد. مقاله همایشی «نقش زنان در اقتصاد از دیدگاه حضرت امام خمینی (س)» نیز همان‌گونه که از نام آن برمی‌آید متکفل بررسی مسئله مورد تحقیق نویسنده از نگاه امام خمینی (ره) است. روشن است که این مقاله ارتباطی با بحث مورد نظر پژوهش حاضر ندارد.

«قدرت، جنسیت و شأن اجتماعی و سیاسی زن در دیدگاه امام خمینی (ره)» از اصغر افتخاری (۱۳۷۹)؛ در این مقاله ابتدا به شناخت ماهیت تازه گفتمان فمینیست پرداخته و سپس ویژگی و مراحل فمینیسم ایرانی را بررسی کرده و در نهایت الگوی مورد نظر امام خمینی (ره) را تبیین نموده است. وی به این نتیجه رسیده که در نظر حضرت امام خمینی (ره) به‌عنوان یک اندیشمند و عالم اسلامی زنان نیز مانند مردان باید در امور سیاسی شرکت کنند.

«زن و قدرت» (۱۳۸۲)؛ نام کتابی است که به‌وسیله پردیس قندهاری به رشته تحریر درآمده است، وی با تحقیقی که بین ۲۰ خانواده تهرانی انجام داده به بررسی مردم‌شناختی عرصه و مصادیق قدرت در چند خانواده‌ی تهرانی پرداخته است. قندهاری حوزه‌های اعمال قدرت را اقتصادی، اجتماعی، تربیتی و زناشویی عنوان نموده و در حوزه‌ی مسائل زناشویی ابراز می‌دارد این حوزه کاملاً مردانه است که در آن زنان تقریباً نقش منفعلی دارند. در حوزه اجتماعی تنوع گسترده‌ای از رفتارها در نسل‌ها دیده می‌شود اما در بحث اقتصادی مدیریت مالی خانه عموماً با زنان است هرچند اگر منظور صرفاً درآمدزایی باشد زنان نقش غیرفعال دارند.

ضمن قدردانی از تلاش‌های انجام‌یافته و پاسداشت آن‌ها همان‌گونه که مشاهده می‌شود هیچ‌یک از این آثار اخیر نیز به‌طور خصوص به بررسی منابع

و مؤلفه‌های اقتدار اقتصادی زن از منظر قرآن نپرداخته است. از این رو، پژوهش حاضر می‌تواند از این جهت جدید باشد.

#### ۴. مؤلفه‌ها و منابع اقتدار اقتصادی زن از منظر قرآن

در این بخش مؤلفه‌ها و منابع اقتدار اقتصادی زن از منظر قرآن پرداخته می‌شود.

##### الف) شایستگی درآمدزایی و تملک اموال

دیدگاه اسلام درباره زن را می‌توان دیدگاهی مترقی و درعین حال متعادل دانست. اسلام زن را همچون مرد انسانی می‌داند که سه ویژگی مهم انسانی یعنی اختیار، مسئولیت‌پذیری و توان ارتقاء و کمال را داراست و همانند مرد از امکانات رشد و کامیابی برخوردار است (زیبایی‌نژاد، ۱۳۸۱: ۵۴). همان‌گونه که پیش‌تر نیز گذشت از منظر قرآن زنان دارای قدرت و استقلال مالی هستند، این حکم حتی پس از ازدواج نیز وجود دارد، بدین معنا که زن و شوهر پس از ازدواج (در دوران زندگی زناشویی) از دو دارایی ممتاز و جدا از هم برخوردارند و زن پس از عقد نکاح در اداره، تنظیم و تصرف اموال و دارایی‌های سابق یا اموال مکتسبه در دوران زناشویی استقلال کامل دارد و می‌تواند هرگونه عمل مادی و حقوقی را نسبت به آن‌ها انجام دهد. ریاست شوهر بر خانواده، هیچ‌گونه اختیاری در اموال زوجه، برای او به وجود نمی‌آورد. حقوق ایران و بسیاری از کشورهای اسلامی، این قانون را به‌عنوان قانون حاکم بر روابط مالی زوجین پذیرفته‌اند (محمدی، ۱۳۸۰: ۸۰-۹۶) این حکم برگرفته از کلام خداست که نوع انسان را کرامت بخشیده و همه نعمت‌ها را مُسخر نوع انسان قرار داده است و در این باره تفاوتی میان زن و مرد قرار نداده است. خداوند می‌فرماید: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبُرُوجِ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا» (الاسراء: ۷۰)؛ و به‌راستی ما فرزندان آدم را گرامی داشتیم و آن‌ها را در خشکی و دریا سیر دادیم و از نعمت‌های پاکیزه روزی بخشیدیم و آن‌ها را بر بسیاری از مخلوقات خود برتری کامل دادیم. در این آیه به بیان شخصیت والای نوع بشر و مواهب پنج‌گانه الهی نسبت به او می‌پردازد و مراد از آیه بیان نوع بشر است (ابن عاشور، بی‌تا: ۱۳۰) که از نیروهای مختلف، مادی و معنوی جسمانی و

روحانی تشکیل شده و در لابه‌لای تضادها می‌تواند پرورش یافته و استعداد تکامل و پیشرفت نامحدود را دارد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۱۲: ۲۱۹). در برخی آیات دیگر نیز به‌صراحت به استحقاق زن در امور اقتصادی و اداره امور مالی خود اشاره می‌کند: «لِّلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبُوا وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبْنَ» (النساء: ۳۲)؛ برای مردان از آنچه [به اختیار] کسب کرده‌اند بهره‌ای است و برای زنان [نیز] از آنچه [به اختیار] کسب کرده‌اند بهره‌ای است.

در نظام قرآن زن مانند مرد توانایی دارد تا موقعیت‌های بالایی را به نفع خود کسب کند. آیات فراوانی وجود دارد که به منابع قدرت مخصوصاً قدرت مالی برای زنان اشاره دارد. برای نمونه علی‌رغم برخی عادات و نظام جاهلی که زن را از ارث محروم می‌ساخت و او را شایسته داشتن مال نمی‌دانست قرآن چنین می‌گوید: «لِّلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ» (النساء: ۷)؛ برای مردان، از آنچه پدر و مادر و خویشاوندان [آنان] بر جای گذاشته‌اند سهمی است و برای زنان [نیز] از آنچه پدر و مادر و خویشاوندان [آنان] بر جای گذاشته‌اند سهمی [خواهد بود]. مطابق این آیه خداوند برای مرد و زن بهره‌ای از ارث را تعیین کرده است و اختیار مال مأخوذه را به آن‌ها داده است. برخی از مفسران ذیل آیه بر این باورند در زمان جاهلیت هیچ‌گونه ارثی به زن نمی‌رسید و به همین دلیل این آیه بر پیامبر (ص) نازل شد و حق مالی را بر زن نیز واجب کرد (فضل‌الله، ۱۴۱۹ ق، ۷: ۹۰)؛ سپس در پایان آیه برای تأکید مطلب می‌فرماید: «نَصِيباً مَّفْرُوضاً» یعنی «این سهمی است تعیین شده و لازم‌الاداء» تا هیچ‌گونه تردید و شکی در این بحث باقی نماند. همان‌طور که می‌بینیم آیه فوق یک حکم عمومی برای همه انسان‌ها اعم از مرد و زن ذکر می‌کند و بر آن پافشاری نیز می‌کند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۳: ۲۷۵). در دیدگاه علامه طباطبایی این آیه بیانگر یک قانون و قاعده کلی است که در حقیقت جزء قوانین تأسیسی قرآن است. حکم این آیه مطلق بوده و به حالی از احوال یا به وصفی از اوصاف و ... مقید نیست، هم‌چنان‌که موضوع این حکم نیز که مردان و زنان باشند، عام است و به هیچ خصوصیت متصلی، تخصیص نخورده است، در نتیجه مردان و زنان آینده یعنی پسران و دختران صغیر هم مانند مردان و زنان فعلی نصیب می‌برند

(طباطبایی، ۱۴۱۷ ق، ۴: ۳۳۴). نظیر این آیه را می‌توان در آیه سی و دوم سوره نسا جستجو کرد. خداوند می‌فرماید: «لِّلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبُوا وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبْنَ وَاسْأَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ»؛ برای مردان از آنچه [به اختیار] کسب کرده‌اند بهره‌ای است و برای زنان [نیز] از آنچه [به اختیار] کسب کرده‌اند بهره‌ای است و از فضل خدا درخواست کنید». مراد از اکتساب در این آیه نوعی حیازت و اختصاص دادن به خویش است، اعم از این که این اختصاص دادن به وسیله عمل اختیاری باشد، نظیر اکتساب از راه صنعت یا حرفه و یا به غیر عمل اختیاری (ر.ک: النساء: ۲؛ ۸؛ ۱۲؛ ۱۷۶).

### ب) ضرورت پرداخت مهریه هنگام درخواست آن توسط زن

دستور به دادن مهریه به زن هنگام عقد نکاح یا ضرورت پرداخت مهریه به هنگام درخواست آن توسط زن از دیگر موارد جواز تملک مالی توسط زن و از منابع قدرت اقتصادی برای زنان محسوب می‌شود. گرچه لفظ مهریه در قرآن نیامده ولی با الفاظ دیگری مانند «صداق» در آیه «أَتُوا النِّسَاءَ صَدُقَاتِهِنَّ نِحْلَةً» (النساء: ۴) و «أجر» در آیات متعدد مانند «فَانكحُوهُنَّ بِإِذْنِ أَهْلِهِنَّ وَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ بِاْمَعْرُوفِ» (النساء: ۲۵؛ الاحزاب: ۵۰) به صراحت به آن اشاره شده است. نکته مهم‌تر آنکه مطابق برخی آیات، مرد حق پس گرفتن مهریه‌ای را که به زن داده ندارد: (النساء: ۲۰) حکم ناتوانی مرد در پس گرفتن مهریه زن از وی، نشان از شایستگی تملک مالی توسط زن محسوب می‌شود. در منابع روایی نیز درباره حق مالکیت مالی زن سخنانی به میان آمده است که می‌توان به اموال فراوان حضرت خدیجه (س) اشاره کرد که وی با رضایت قلبی خود اموالش را در راه اسلام صرف کرد. اعطای حق مالکیت مالی به زنان و احترام به آن از سوی معصومین (ع) به حدی بود که مورد شماتت اصحاب خود واقع می‌شدند. امام باقر (ع) در روایتی می‌فرمایند: «گروهی نزد امام حسین (ع) رفته و نسبت به وسایلی که در منزل ایشان بود اعتراض نمود که به‌دوراز زندگی زاهدانه است. امام در پاسخ، آن را حق همسر خود دانسته‌اند که با مهریه خود آن را خریداری کرده و او در آن سهمی ندارند (ابن حیون، ۱۳۸۵ ق، ۲: ۱۶۰).

از دیگر مؤلفه‌های قدرت مالی و دلایل قرآنی و یا روایی آن می‌توان به‌طور اجمال

به موارد ذیل اشاره کرد. تمسک به عمومیت ادله مشروعیت تملک و تگسب در قرآن و روایات (الحجر: ۲۱؛ الاعراف: ۹؛ البقره: ۱۶۸؛ طه: ۸۱؛ ق: ۱۱؛ الملک: ۱۵) عمومیت ادله تفویض قدرت خداوند به همه انسان‌ها که از جمله مصادیق قدرت، قدرت مالی است (المنافقون: ۸) تمسک به عمومیت قاعده «النَّاسُ مُسْلِمُونَ عَلَيَّ أَمْوَالِهِمْ»<sup>۱</sup> که مطابق آن همه انسان‌ها اعم از مرد و زن بر آنچه در تملک دارند تسلط دارند و قدرت تصرف عقلایی دارند، همچنین پول گرفتن زن برای شیر دادن نوزاد (البقره: ۲۳۳؛ الطلاق: ۶). در پایان این بخش شایان توجه است، گرچه دین مبین اسلام حمایت کامل از حق مالکیت مالی زن در زندگی زناشویی خود دارد و مخیر است اموال خود را به دلخواه صرف کند؛ اما آنچه موجب مصون ماندن از خطرات احتمالی، هدر رفت سرمایه و... می‌شود، مشورت زوجین در خانه است که پیامبر (ص) طی سفارشی به علی (ع) آن را موجب پشت گرمی و محکم کاری می‌داند (برقی، ۱۳۷۱ ق، ۱: ۱۷). روایات متعددی نیز این مطلب را تصدیق و تأکید کرده‌اند (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ۸: ۲۲؛ طبرسی، ۱۴۱۲ ق: ۳۱۹؛ حر عاملی، ۱۴۰۹ ق، ۱۲: ۴۰؛ مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ۱۳: ۳۷۵). آیات فراوانی نیز دال بر مشاوره انسان با دیگران طرح شده است که آیه «وَأْمُرْهُمْ شُورَىٰ بَيْنَهُمْ» (الشوری: ۳۸) چشم‌نواز است. صاحب‌المیزان مراد از کلمه «شوری» در آیه را به معنای پیشنهاد و امری می‌داند که درباره آن نظرخواهی شود و مشورت را جهت استخراج رأی صحیح الزامی دانسته است (طباطبایی، ۱۳۹۰ ق، ۱۸: ۶۳). در خاتمه باید عنوان کرد که زن و شوهر در زبان هنری قرآن به لباس تشبیه شده است، همان‌طور که لباس برای حفظ انسان از خطرات و زیان‌های احتمالی است، به‌مثابه آن زوجین در روابط زناشویی همین حکم را نسبت به یکدیگر دارند (قرائتی، ۱۳۸۰، ۱: ۲۹۱). لذا؛ لزوم ارتباط سازنده و مشورت در امور مختلف و به‌ویژه در امور مالی از وظایف ذاتی و اصولی یک زندگی سالم است که هرگز نباید از آن غافل شد.

۱- این قاعده که به «قاعده تسلط» مشهور است از مشهورترین قواعد فقهی است و به علت کاربرد وسیع اقتصادی و اجتماعی‌اش، از دیرباز از اساسی‌ترین قاعده‌های فقه اسلام بوده است. این قاعده تثبیت کننده ارکان مالکیت است و به علت جایگاه خاص اموال و مالکیت در زندگی روزمره مردم، اهمیت و برجستگی خاصی در بین سایر موضوعات دارد. بر اساس آن، تصرف در مال غیر جز از طریق جلب رضایت مالک ممنوع شده است (ابن ابی‌جمهور، ۱۴۰۵ ق، ۲۲۲).

### ج) برابری زن و مرد در دسترسی به جایگاه و مناصب اجتماعی

در آیات فراوانی از قرآن، سخن از استعدادها و امکانات تکوینی و تشریعی آدمیان به میان آمده و همه جا از انسان، ناس و واژه‌های عام سخن رفته است، هیچ گونه استثنایی در حق زنان یا تفضیلی برای مردان در بین نیست، نظیر این آیه که می‌فرماید: «لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ» (التین: ۴)؛ به‌راستی انسان را در نیکوترین اعتدال آفریدیم (مهریزی، ۱۳۸۱: ۲۱)؛ همچنین با تعبیرهایی از قبیل «سَخَّرْنَا لَكُمْ مَّا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ» (الجاثیه: ۱۳)، استفاده از امکانات طبیعی را با خطاب جمع از آن انسان دانسته و نه یک جنس خاص (همان: ۲۳). بر همین مبنا یکی دیگر از مؤلفه‌های قدرت زن امکان بهره‌مندی از همه امکانات طبیعت و در نتیجه دستیابی به قدرت اجتماعی و توان دستیابی به جایگاه اجتماعی بالا در جامعه است. قرآن نیز به جایگاه اجتماعی زنان در موارد متعددی اشاره کرده است. در اسلام زن در تمامی احکام عبادی و حقوق اجتماعی، مانند مرد است. او مانند مرد می‌تواند مستقل باشد و از حیث انسانی هیچ تفاوتی با مردان ندارد، همان‌گونه که در قرآن نیز به این مطلب اشاره شده که آن‌ها از یک جنس آفریده شده‌اند (النساء: ۱). مطابق آیات قرآن زنان در بسیاری از امور اجتماعی مانند داشتن اختیار، مسئولیت‌پذیری و توان ارتقاء و تکامل فردی و اجتماعی، دفاع از حق مشروع خود، جواز تعلیم و تربیت و بسیاری موضوعات دیگر، مانند مردان هستند، مگر در مواردی که طبیعت زن اقتضا دارد که با مرد تفاوت داشته باشد. برای نمونه قرآن در آیه ۲۴۰ سوره بقره حکم زنی را بیان می‌کند که همسر او مرده و به مدت چهار ماه و ده روز عده نگه‌داشته و ازدواج نکرده است. پس از آن هر تصمیمی که زن برای خود بگیرد مختار است و کسی حق دخالت در تصمیم او را ندارد: «وَالَّذِينَ يَتَّقُونَ مِنكُمْ وَيَدْرُونَ أَرْوَاجًا يَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَعَشْرًا فَإِذَا بَلَغْنَ أَجَلَهُنَّ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِي مَا فَعَلْنَ فِي أَنْفُسِهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ» (البقره: ۲۳۴) این کلام قرآن بیانگر آن است زن، مستقل و متکی بر خویش است. اراده و عمل او که تا ظهور اسلام به اراده مرد گره خورده بود، از اراده و عمل مرد جدا شد. در ضمن از این تعبیر استفاده می‌شود که ولایت پدر و جد نیز در اینجا ساقط است ولی به زنان نیز یادآوری می‌کند که آن‌ها



از آزادی خود سوءاستفاده نکنند و به‌طور شایسته «بِالْمَعْرُوفِ» برای آینده خود تصمیم بگیرند (مکارم‌شیرازی، ۱۳۷۴، ۲: ۲۲۷).

مشترک بودن زنان و مردان در اصول مواهب وجودی، یعنی اندیشه و اراده که مولد اختیار هستند، اقتضا می‌کند که زن نیز در آزادی فکر و اراده و در نتیجه در داشتن اختیار، مانند مرد باشد. همان‌طور که مرد در تصرف در تمامی شئون زندگی فردی و اجتماعی به‌جز آن مواردی که ممنوع است استقلال دارد، زن نیز می‌تواند استقلال داشته باشد. اسلام هم که دین فطری است، این استقلال و آزادی را به کامل‌ترین وجه به زن داده است (طباطبایی، ۱۳۷۸: ۵۴). از همین قبیل است مفهوم آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَجِلُّ لَكُمْ أَنْ تَرْتُوا النِّسَاءَ كَرْهًا» (النساء: ۱۹)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، برای شما حلال نیست که زنان را به اکراه ارث برید. این آیه بیانگر این است که خداوند زن را آزاد و صاحب اراده دانسته است (هاشم زاده هریسی، ۱۳۹۲: ۲۲۱). نتیجه همین ویژگی است که از منظر قرآن زن نیز مانند مرد می‌تواند به جایگاه بالای اجتماعی دست یابد و در نتیجه قدرت اجتماعی و اقتصادی پیدا کند.

در آیات دوازده و سیزده سوره حدید خداوند از دو گروه زن و مرد بهشتی و جهنمی یاد می‌کند که با اراده خودشان، در زمره یکی از این دو گروه قرار می‌گیرند: «يَوْمَ تَرَى الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ يَسْعَى نُورُهُمْ بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَبِأَيْمَانِهِمْ ... يَوْمَ يَقُولُ الْمُنافِقُونَ وَالْمُنَافِقَاتُ لِلَّذِينَ آمَنُوا انظُرُونَا نَقْتَبِسْ مِنْ نُورِكُمْ قِيلَ ارْجِعُوا وَرَاءَكُمْ فَالْتَمِسُوا نُورًا» این آیات و ده‌ها مورد دیگر نشان می‌دهد که زن و مرد هر یک موجوداتی آزاد، مختار و دارای جایگاه اجتماعی مستقل قرار داده شده‌اند که به خاطر همین اختیار است که هم‌اکنون در یکی از این دو گروه قرار می‌گیرند. روشن‌ترین و بالاترین مصداق این اختیار و آزادی اجتماعی برای زن آن است که قرآن کریم مریم و آسیه را نه‌تنها نمونه‌ای نیک برای زنان که نمونه‌ای برای مرد و زن مؤمن تا روز قیامت قرار داده است (زیبایی‌نژاد، ۱۳۸۸: ۵۵).

از نظر شهید مطهری مطالعه در احوال بشر ثابت می‌کند که افراد بشر طبیعتاً هیچ‌کدام رئیس یا مرئوس آفریده نشده‌اند، هیچ‌کس کارگر یا صنعتگر یا استاد یا معلم یا معلم یا سرباز یا وزیر به دنیا نیامده است. این‌ها مزایا و

خصوصیاتی است که جزء حقوق اکتسابی بشر است، یعنی افراد در پرتو لیاقت و استعداد کار و فعالیت باید آن‌ها را از اجتماع بگیرند و اجتماع با یک قانون قراردادی آن‌ها را به افراد خود واگذار کند (مطهری، ۱۳۷۶: ۱۵۱).

از دیگر مظاهر حضور و قدرت اجتماعی برای زنان که در قرآن نیز مورد تأکید قرار گرفته مسئله هجرت و بیعت است. از جلوه‌ها و مظاهر هجرت در دوران معاصر، مسافرت زنان برای تحصیل، تدریس، تفریح و یا خروج از موقعیت‌های نامناسب به سرزمین‌های دیگر برای زندگی بهتر است. مسئله بیعت نیز در قالب رأی، انتخابات و شرکت در تعیین سرنوشت خود و جامعه است (حسینی اکبرنژاد، ۱۳۹۴: ۲۴۸). در آیات ۹۷ و ۹۸ سوره نساء به مسئله هجرت زنان و در آیه ۱۲ سوره ممتحنه به بیعت زنان با پیامبر (ص) و دستور به استغفار برای آنان اشاره شده است. دقت در این آیات نشان می‌دهد که برخلاف سخنان دشمنان مبنی بر بی‌ارزش کردن زن توسط اسلام، قرآن زنان را در مهم‌ترین مسائل مانند بیعت شرکت داده است. این امر یک‌بار در حدیبیه در سال ششم هجرت و یک‌بار در فتح مکه و بار سوم در غدیر خم انجام گرفت، زنان نیز همراه مردان در این پیمان الهی وارد شدند و حتی شرایط بیشتری را نسبت به مردان پذیرا گشتند، شرایطی که هویت انسانی زن را زنده می‌کرد و او را از تبدیل شدن به متاع بی‌ارزش یا وسیله‌ای برای کام‌جویی مردان بوالهوس نجات می‌داد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۲۴: ۴۸). امام خمینی (ره) نیز درباره شخصیت زن مسلمان می‌فرماید: «اسلام، زن را مثل مرد در همه شئون، همان‌طوری که مرد در همه شئون دخالت دارد، دخالت می‌دهد» (خمینی، ۱۳۷۴: ۱۹۷).

همان‌گونه که پیش‌تر نیز گذشت یکی از مهم‌ترین عوامل افزایش جایگاه اجتماعی زن و در نتیجه افزایش اقتدار و وجهه اجتماعی؛ داشتن شغل و کار مناسب با شأن زن است، امروزه زنان درآمد را شیوه‌ای برای ورود به محیط‌های اجتماعی و اقتصادی می‌دانند و تأثیر آن در کسب پایگاه اجتماعی - اقتصادی را تأکید می‌نماید، پایگاهی که منجر به دستیابی به منابعی می‌شود که نظارت بیشتری بر خود و اعضای خانواده داشته باشند. این امر به نوبه خود نه تنها به احساس بر خورده‌اری از شکوه فردی و اجتماعی بیشتر و در نتیجه اقتدار اقتصادی

منجر می‌شود، بلکه میزان آسفتگی روانی آنان را نیز کاهش می‌دهد. از نظر اسلام نیز داشتن شغل و کسب درآمد برای زنان نه تنها نکوهیده نیست بلکه عمومیت ادله تَکْسِب مانند (النساء: ۷، ۳۲) قاعده تسلیط، دلالت روایت «لَا يَجُلُّ مَالُ امْرَأٍ مُسْلِمٍ إِلَّا بِطَيْبٍ مِنْ نَفْسِهِ» و ادله تشویق به کار و فعالیت شامل زن نیز می‌شود (مهرپور، ۱۳۸۴: ۴۳). شهید مطهری ورود زنان به عرصه اقتصاد را بنا بر دیدگاه ویل دورانت بهره‌وری از زن و کم‌توقعی وی در دریافت اجرت بیان کرده است و تشکیل کارخانه‌های بزرگ در اروپا را به همین جهت دانسته است. وی می‌نویسد: «مردان در مخالفت با این سیاست زنان خود را از هرگونه فعالیت اقتصادی منع کرده بودند و علت آن را اختلال در زندگی زناشویی می‌دانستند» (مطهری، ۱۳۸۴، ۲۵: ۱۵۵). اسلام، زن را همیار مرد در زندگی و بالعکس می‌داند تا آنجا که اگر کاری از توان مرد خارج بود وی را کمک کند و آنچه برای زن طاقت فرساست مرد رفع حاجت نماید (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۲: ۱۱۳ - ۱۱۴). تأکید معارف ناب دینی بر انجام فعالیت‌های اجتماعی مفیدی برای زنان است که در مسیر انجام آن‌ها استعدادهايش رشد کند. نظر اندیشمندان غربی در مکتب برابری حقوق زن و مرد به حیثیت ذاتی زن ضربه وارد کرده است (karimpoor, Qaramaleki, ۲۰۲۳: ۱۸) و هر نوع شغلی را برابری تلقی می‌کند. پیامبر اعظم (ص) در روایتی فعالیت اقتصادی را برای زن و مرد جایز دانسته است؛ ولی تأکید بر فعالیتی شده که انسان برای آن لایق‌تر است؛ زیرا هر شخصی برای کاری آفریده شده است (صدوق، ۱۳۹۸ ق: ۳۵۶). روایات مختلفی بر شاغل بودن زنان مسلمان در زمان پیامبر (ص) دلالت دارد که می‌توان به صنایع دستی (طبرانی، ۱۳۷۳ ق، ۲۴: ۲۶۴)، ریسندگی و بافندگی (حر عاملی، ۱۴۰۹ ق، ۱۲: ۱۷۴)، خدمات خانگی (همان، ۱۵-۱۷)، تولید مواد خوشبوکننده (کلینی، ۱۳۸۸ ق، ۵: ۴۹۶) اشاره کرد و مشاغل فاسد مانند آوازخوانی در محافل فسق و روسپی‌گری مورد ملامت شدید قرار گرفته است (حر عاملی، ۱۴۰۹ ق، ۱۲: ۸۵-۶۲). جالب توجه است که مضامین دینی شغلی را برای زنان توصیه نکرده است و بار اقتصادی زندگی را بر دوش مردان نهاده است. علت را باید در روحیه حساس و لطیف، جسم ظریف و جنبه‌های روانی و عاطفی بیان کرد که بدان آسیبی نرسد. کرامت زن در اسلام

حائز اهمیت است و پیامبر (ص) زنان را امانت خداوند به دست مردان بیان کرده است (حرانی، بی تا، ۲۰). به نوعی اسلام می‌خواهد زن همدم همسر و مایه آرامش وی باشد (الاعراف: ۱۸۹) و تربیت فرزند و نسل صالح نیز بر عهده وی نهاده شده است که همان مقام مادری است که پیامبر (ص) آن را جهاد و زن را مجاهد در راه خدا می‌داند (صدوق، ۱۳۷۶ ق: ۴۱۱).

در راستای همین حضور اجتماعی و فعالیت اقتصادی زن، قرآن کریم از دختران شعیب در حال انجام فعالیت اقتصادی - اجتماعی یاد می‌کند و حیای آنان را در حین عمل باز می‌گوید، ارتباط زنان و مردان به وضوح در این آیات مشاهده می‌گردد، در این آیات، شبانی دختران شعیب، ارتباط و سخن گفتن با مردان، بینش اجتماعی و شناخت افراد، حیا و آزر، به خوبی تبیین شده و مورد تأیید خداوند قرار گرفته است (مهریزی، ۱۳۸۱: ۷۵). قرآن کریم تلاش‌های خواهر حضرت موسی را برای رهایی وی بازگفته است: «إِذْ تَمْثِي أُخْتُكَ فَتَقُولُ هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ مَن يَكْفُلُهُ» (طه: ۴۰) درجایی دیگر با آوردن داستان ملکه سبا (النمل: ۲۳ - ۴۴)، او را پادشاهی معرفی کرده که کشوری آباد داشته است و بدین ترتیب تصدی زن را در بالاترین مناصب سیاسی روا داشته است؛ یا در آیه مباحله (آل عمران: ۶۱) مشارکت سیاسی و اجتماعی زنان و مردان به خوبی دیده می‌شود. (همان: ۷۷)؛ بنابراین، از منظر دین اسلام در انواع مختلف حقوق، مالکیت و استقلال در تصرف اموال منقول و غیرمنقول سایر شئون تابعه آن از تجارت، عطیه و بخشش، رهن، قرض، صلح، شرکت، مضاربه و سرمایه‌گذاری، حواله، کفالت، وقف، قوانین افلاس و محجوریت، اجاره، کشاورزی و مزارعه، باغداری، مساقات، ضمان، عاریه، وصیت و واگذاری اموال به اشخاص، شفعه، قراردادهای بازرگانی و غیر آن، جعله و احیای اموات، برای زنان و مردان تبعیضی وجود ندارد و آنان در این حقوق مساوی‌اند (نوری، ۱۳۹۰: ۱۶).

#### د) حق تحصیل تا کسب بالاترین مراتب علم

از دیگر مؤلفه و عامل اقتدار اقتصادی زنان داشتن حق تحصیل تا بالاترین مراتب است (تاسیک و دیگران، ۱۹۹۹ م: ۶۴). عموم مردم نیز بر این عقیده‌اند که تحصیلات بالا، شغل خوب و درآمد نشانه سلامت و خوشبختی است،

چراکه این متغیرها افراد را به منابعی مجهز می‌کنند که آن‌ها برای مواجه شدن با رویدادها و شرایط و گرفتاری‌های روزمره در زندگی شان نیاز دارند (تاسیک و دیگران، ۱۹۹۹ م: ۶۴). افرادی که دارای تحصیلات بالاترند بیشتر احتمال احراز شغل‌هایی را دارند که مطلوب محسوب می‌شود، تحقیقات نشان می‌دهد احساس اختیار فردی که از تحصیلات بالا و داشتن شغل خوب سرچشمه گرفته سرمایه ارزنده‌ای برای غلبه بر بیشتر ناملازمات زندگی است. احساس مؤثر و مهم بودن و احساس مختار بودن به‌عنوان یک منبع کلیدی برای حل مشکلات و احساس سلامتی و خوشبختی محسوب می‌شود (همان: ۶۷؛ ۶۸).

در قرآن نیز فراگیری علم از اولین آموزه‌های دینی محسوب می‌شود (مهریزی، ۱۳۸۱: ۲۵). قرآن به علم و جایگاه آن اهمیت زیادی داده و آن را به جنس خاصی اختصاص نداده است، بلکه انسانیت با تمامی اصنافش به دانش‌طلبی دعوت شده است (مهریزی، ۱۳۸۱: ۴۵). در آیه ۹ سوره زمر می‌فرماید: «قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ» این آیه شامل همه انسان‌ها اعم از مرد و زن است. درجایی دیگر علما و دانشمندان را خداترس معرفی کرده است: «إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ» (فاطر: ۲۸) همان‌گونه که مشاهده می‌شود کلمه علما عام است و شامل هر دو جنس مرد و زن می‌شود. در جای دیگر درباره تعلیم آدمیان از خطاب جمع و واژه انسان استفاده نموده است: «الرَّحْمَنُ \* عَلَّمَ الْقُرْآنَ \* خَلَقَ الْإِنْسَانَ \* عَلَّمَهُ الْبَيَانَ» (الرحمن: ۱ - ۴) (مهریزی، ۱۳۸۱: ۲۳)، در کلام معصومان (ع) نیز همین ادبیات جلوه گر شده است. برای نمونه پیامبر اکرم (ص) درباره ضرورت علم‌آموزی برای همه مردم می‌فرماید: «طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ وَ مُسْلِمَةٍ» (کراجکی، ۱۳۸۵ ق: ۱۰۷) در این حدیث شریف نیز به‌صراحت علم‌آموزی برای همه مردان و زنان لازم و ضروری دانسته شده است و تفاوتی از حیث جنسیت نیست. خداوند نیز وعده داده که دارندگان علم را مرتفع و والامقام می‌گرداند چه مرد باشد چه زن: «يَرْفَعِ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ» (المجادله: ۱۱). همچنین خداوند یکی از اهداف پیامبران را تعلیم انسان‌ها دانسته بدون آن که آن را مختص صنفی خاص سازد و می‌فرماید: «كَمَا أَرْسَلْنَا فَيْكُم رُسُولًا مِنْكُمْ يَتْلُو عَلَيْكُمْ آيَاتِنَا وَيُزَكِّيكُمْ وَيُعَلِّمُكُمُ الْكِتَابَ

وَالْحِكْمَةَ وَيُعَلِّمُكُم مَّا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ» (البقره: ۱۵۱) (مهرپور، ۱۳۸۱: ۴۶)؛ بنابراین با توجه به آنچه گذشت از منظر قرآن و معصومان (ع) نیز علم‌آموزی و تحصیل علم ارتباطی به جنسیت ندارد و همان‌گونه که بر مردان تحصیل علم واجب است و موجب ترقی و پیشرفت می‌شود موجب تعالی زنان نیز می‌شود و در نتیجه از اسباب اقتدار او محسوب می‌شود.

شایسته یادآوری است که در بین روایات، گاه به احادیثی برمی‌خوریم که به‌ظاهر با آنچه پیش‌تر گذشت مخالف است؛ ولی باید گفت بیشتر روایات که ناظر به وجود کاستی در زنان است دلالت بر فروتری زنان در انسانیت ندارد (اسکندرلو، ۱۳۸۷: ۹۶). این روایات در حقیقت ناظر به تفاوت استعدادی زن و مرد است و دلیل بر وجود عیب در خلقت زن نیست؛ بلکه خود از لطایف خلقت است و آن روایات ممکن است نظر به اشخاص خاصی دارند یا در انتقاد از به‌کارگیری استعدادهای خاص زنانه در مسیر ناصحیح و مانند آن است (زیبایی نژاد، ۱۳۸۸: ۵۶) و با قاطعیت می‌توان گفت قرآن در مقام بیان مشابهت زن و مرد در اصل و ریشه است و وحدت نوعی آن دو را بیان می‌دارد. اگر حدیثی نیز برخلاف این مطلب باشد باید تأویل یا کنار گذاشته شود. از امام صادق (ع) پرسیده شد: «گروهی می‌گویند حوا از دنده چپ آدم آفریده شد؟ فرمود: خدا از این نسبت پاک و منزّه است، خداوند میان ما و آنان داوری کند» (مهریزی، ۱۳۸۱: ۱۹).

### نتیجه‌گیری

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که:

۱. قرآن دیدگاهی مترقی و درعین حال متعادل درباره زن دارد و زن را همچون مرد انسانی می‌داند که سه ویژگی مهم انسانی یعنی اختیار، مسئولیت‌پذیری و توان ارتقاء و کمال را دارد و همانند مرد از امکانات رشد و کامیابی برخوردار است و در منطق قرآن هیچ‌یک طفیلی دیگری نیست. پس از نظر قرآن کمالات نوعی انسانی که برای یک صنف از انسان‌ها ممکن است برای صنف دیگر نیز دست‌یافتنی است، همان‌گونه که کمالات معنوی چنین است.

۲. از منظر قرآن زن نیز مانند مرد دارای مؤلفه‌ها و منابعی از قدرت و اقتدار در ابعاد مختلف و از جمله اقتدار اقتصادی است. برخی از مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از: شایستگی درآمدزایی و تملک اموال، ضرورت پرداخت مهریه هنگام درخواست آن توسط زن، برابری زن و مرد در دسترسی به جایگاه و مناصب اجتماعی، حق تحصیل تا کسب بالاترین مراتب علم، داشتن اختیار و قدرت تصرف در اموال شخصی، حق پیشرفت و ترقی و یافتن جایگاه و قدرت اجتماعی در همه ابعاد فردی و اجتماعی، داشتن اختیار و توان مسئولیت‌پذیری، حق داشتن شغل مناسب با شأن خویش.

۳. برخی از دلایل قرآنی قدرت و اقتدار مالی عبارت‌اند از: تمسک به عمومیت ادله مشروعیت تملک و تکسب در قرآن (الحجر: ۲۱؛ الاعراف: ۹؛ البقره: ۱۶۸؛ طه: ۸۱؛ ق: ۱۱؛ الملک: ۱۵) عمومیت ادله تفویض قدرت خداوند به همه انسان‌ها که شامل قدرت مالی نیز است (المنافقون: ۸) تمسک به عمومیت قاعده «الناس مُسَلِّطون علی أموالهم» و قدرت تملک و تصرف عقلایی در اموال مکتسبه؛ جواز پول گرفتن زن برای شیر دادن نوزاد (البقره: ۲۳۳؛ الطلاق: ۶).

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



## منابع و مآخذ

قرآن کریم

- ۱- ابن ابی الجهمور، محمد بن زین الدین، (۱۴۰۵ ق)، *عوالی اللثالی العزیزیه فی الأحادیث الدینیة*، مصحح: مجتبی عراقی، قم، دار سید الشهداء.
- ۲- ابن عاشور، محمد بن طاهر، (بی تا)، *التحریر و التنویر*، بیروت، موسسه التاريخ العربی.
- ۳- ابن حیون، نعمان بن محمد مغربی، (۱۳۸۵ ق)، *دعائم الإسلام*، قم، مؤسسه آل البيت (ع).
- ۴- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، (بی تا)، *تحف العقول*، قم، آل علی.
- ۵- اسدی، طیب، (۱۳۸۵)، «زن و قدرت سیاسی»، *نشریه حقوق زنان*، ش ۲۷، صص ۱۵-۲۰.
- ۶- اسکندری، محمدحسین، دارابکلانی، اسماعیل، (۱۳۸۳)، *پژوهشی در موضوع قدرت، انواع، منابع، پیامدها و کنترل آن*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- ۷- اسکندری، محمدجواد؛ نوشین، مریم، (۱۳۸۷)، «بررسی و نقد مقاله زنان و قرآن»، *قرآن پژوهی خاورشناسان*، شماره ۵، صص ۹۶-۱۲۰.
- ۸- افتخاری، اصغر (۱۳۷۹)، «قدرت، جنسیت و شأن اجتماعی و سیاسی زن در دیدگاه امام خمینی (ره)»، *نشریه کتاب نقد*، شماره ۱۷، صص ۱۷۶-۱۹۹.
- ۹- آبوت، پاملا و کلر والاس (۱۳۸۰)، *جامعه شناسی زنان*، ترجمه: منیژه نجم عراقی، تهران، نشر نی.
- ۱۰- آشوری، داریوش، (۱۳۷۰)، *دانشنامه سیاسی*، تهران: سهرودی، مروارید.
- ۱۱- باقری، معصومه و دیگران (۱۳۸۸)، «بررسی اشتغال زنان و تأثیر آن بر هرم قدرت در خانواده»، *مجله کار و جامعه*، ش ۱۸، صص ۲۴۷-۲۶۲.
- ۱۲- پارسا، فروغ، (۱۳۹۴)، «قرائت زن گرایانه از قرآن»، *پژوهش نامه زنان*، ش ۴، صص ۵۱-۷۱.
- ۱۳- تاسیگ، مارک و دیگران (۱۳۸۶)، *جامعه شناسی بیماری های روانی*، ترجمه احمد عبداللهی، تهران، سمت.
- ۱۴- حر عاملی، محمد بن حسن، (۱۴۱۲ ق)، *وسائل الشیعه*، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
- ۱۵- حسینی اکبرنژاد، هاله و شوشتری، زهرا (۱۳۹۴)، *زن در قرآن*، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و معارف اسلامی.
- ۱۶- خمینی، روح الله، (۱۳۷۴)، *جایگاه زن در اندیشه امام خمینی (ره)*، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- ۱۷- خمینی، روح الله، (۱۳۷۸)، *صحیفه امام*، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- ۱۸- زیبایی نژاد، محمدرضا، سبحانی، محمد تقی (۱۳۸۸)، *در آمدی بر نظام شخصیت زن در اسلام*، قم، دفتر مطالعات و تحقیقات زنان.
- ۱۹- سعیدیان، نرگس (۱۳۸۰)، «اشتغال زن و تغییر وضعیت زن و خانواده»، *فصلنامه مطالعات علوم اجتماعی ایران*، شماره ۳، صص ۱۳۴-۱۴۹.
- ۲۰- صدوق، محمد بن علی، (۱۳۹۸ ق)، *ال توحید*، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ۲۱- طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۷۸)، *زن در قرآن*، قم، نشر هاجر.

- ۲۲- طباطبایی، سید محمد حسین (۱۴۱۷ ق)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه.
- ۲۳- طبرانی، سلیمان بن احمد، (۱۳۷۳ ق)، *المعجم الکبیر*، قاهره، دار إحياء التراث العربی.
- ۲۴- طبرسی، حسن بن فضل، (۱۴۱۲ ق)، *مکارم الأخلاق*، قم، الشریف الرضی.
- ۲۵- عمید زنجانی، عباسعلی، (۱۳۶۶)، *فقه سیاسی*، تهران، امیرکبیر.
- ۲۶- فاضلی، نعمت اله، (۱۳۹۲)، «زن و قدرت در خانواده»، *جامعه شناسی هنر و ادبیات*، دوره ۵، ش ۱، صص ۵۲-۸۱.
- ۲۷- فضل الله، سید محمد حسین، (۱۴۱۹ ق)، *من وحی القرآن*، بیروت، دار الملائک.
- ۲۸- قرائی، محسن، (۱۳۸۸)، *تفسیر نور*، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
- ۲۹- قندهاری، پردیس، (۱۳۸۲)، *زن و قدرت*، بررسی مردم‌شناختی عرصه‌ها و مصادیق قدرت در چند خانواده تهرانی، تهران، پژوهشکده مردم‌شناسی، سازمان میراث فرهنگی.
- ۳۰- کراجکی، محمد بن علی، (۱۳۸۵ ق)، *کنز الفوائد*، مصحح: عبد الله نعمه، قم، دار الذخائر.
- ۳۱- کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۳۸۸)، *فروع کافی*، قم، قدس.
- ۳۲- کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۰۷ ق)، *الکافی*، تهران، دارالکتب الإسلامیه.
- ۳۳- گالبرایت، جان کنت (۱۳۷۱)، *آنانومی قدرت*، ترجمه محبوبه مهاجر، تهران، سروش.
- ۳۴- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۶)، *جامعه شناسی*، تهران، نشر نی.
- ۳۵- مجلسی، محمدباقر، (۱۴۰۳ ق)، *بحار الأنوار*، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
- ۳۶- محمدی، مرتضی، (۱۳۸۰)، «حقوق و تکالیف زن از دیدگاه اسلام»، *فصلنامه رواق اندیشه*، ش ۳، صص ۸۰-۹۶.
- ۳۷- مطهری، مرتضی، (۱۳۷۶)، *نظام حقوق زن در اسلام*، تهران، صدرا.
- ۳۸- مطهری، مرتضی، (۱۳۸۴)، *مجموعه آثار استاد شهید مطهری*، تهران، صدرا.
- ۳۹- معین، محمد، (۱۳۸۶)، *فرهنگ معین*، چاپ چهارم، تهران، انتشارات آدنا.
- ۴۰- مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۴)، *تفسیر نمونه*، تهران، دار الکتب الاسلامی.
- ۴۱- مهرپور، حسین، (۱۳۸۴)، *حقوق زن*، تهران، انتشارات اطلاعات.
- ۴۲- مهریزی، مهدی، (۱۳۸۱)، *زن در سخن و سیره امام علی (ع)*، تهران، دانشگاه علامه طباطبایی.
- ۴۳- میرزائی، حسین، کاتبی، مهناز و آقایی، حسین (۱۳۹۴)، «بررسی ساختار توزیع قدرت در خانواده‌های شهر تبریز»، *دو فصلنامه علوم اجتماعی*، بهار و تابستان ۱۳۹۴، ش ۱، صص ۶۹-۹۴.
- ۴۴- نوری، اعظم، (۱۳۹۰)، «بررسی اشتغال زنان از دیدگاه اسلام»، *مجله نامه جامعه*، ش ۸۵، صص ۱۶-۲۰.
- ۴۵- هاشم زاده هریسی، هاشم، (۱۳۹۲)، *آیات زن در قرآن*، تهران، نشر سازمان اوقاف و امور خیریه.

۴۶- هولم، جین و جان بوکر، (۱۹۹۲)، *زن در ادیان بزرگ جهان*، ترجمه علی غفاری، تهران، شرکت چاپ و نشر بین الملل.

۴۷- هیوود، اندرو، (۱۳۸۶)، *درآمدی بر ایدئولوژی‌های سیاسی: از لیبرالیسم تا بنیادگرایی دینی*، ترجمه محمد رفیعی مهرآبادی، تهران، موسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.

48- karimpoor Qaramaleki, A. (2023). An Analysis of the Qur'anic Foundations of Islamic Dress. *The Quran: Contemporary Studies (Quranic New Studies)*, 2(4), 6-33. doi: 10.22034/qns.2023.16615.1034



## REFERENCES

\*The Holy Qur'an

1. Abbott, Pamela and Claire Wallace (1380), *Sociology of Women*, translated by: Manijhe Najm Iraqi, Tehran, Ney Publishing.
2. Al-Hurr al-Amili, Muhammad bin Hasan, (1412 AH), *Al-Wasa'il al-Shi'a*, Beirut, Dar Ihya al-Turath al-Arabi.
3. Amid Zanjani, Abbas Ali, (1366), *Political Jurisprudence*, Tehran, Amirkabir.
4. Asadi, Tayyebeh, (1385), "Women and Political Power", *Women's Rights Journal*, Vol. 27, pp. 15-20.
5. Ashuri, Dariush, (1370), *Political Encyclopaedia*, Tehran: Sohrevardi, Morvarid.
6. Baqeri, Masoumeh et al. (1388), "Investigation of women's employment and its effect on the power pyramid in the family", *Journal of Work and Society*, Vol. 18, pp. 247-262.
7. Eftekhari, Asghar (1379), "Power, gender and social and political dignity of women in the view of Imam Khomeini (RA)", *Book Review Journal*, No. 17, pp. 176-199.
8. Eskandari, Mohammad Hossein; Darabkolai, Ismail, (1383), *A research on the issue of power, its types, sources, consequences and control*, Qom, Hawzah and University Research Institute.
9. Eskanderlou, Mohammad Javad; Noushin, Maryam, (1387), "Review and criticism of the article Women and the Qur'an", *Qur'anic Research of Orientalists*, No. 5, pp. 120-96.
10. Fadlullah, Seyyed Muhammad Hussein, (1419 AH), *Min Wahy al-Qur'an*, Beirut, Dar al-Malak.
11. Fazeli, Nematollah, (1392), "Woman and Power in the Family", *Sociology of Art and Literature*, Issue. 5, Vol. 1, pp. 52-81.
12. Galbraith, John Kenneth (1371), *Anatomy of Power*, translated by: Mahbobeh Mohajer, Tehran, Soroush.
13. Giddens, Anthony (1376), *Sociology*, Tehran, Ney Publishing.
14. Hashemzadeh Herisi, Hashem, (1392), *Verses of Woman in the Qur'an*, Tehran, Publication of Endowments and Charitable Affairs Organization.
15. Heywood, Andrew, (1386), *An introduction to political ideologies: from liberalism to religious fundamentalism*, translated by: Mohammad Rafiei Mehrabadi, Tehran, Ministry of Foreign Affairs Printing and Publishing Institute.
16. Holm, Jane and John Booker, (1992), *Women in the World's Great Religions*, translated by: Ali Ghaffari, Tehran, International Publishing Company.
17. Hosseini Akbarnejad, Haleh; Shushtari, Zahra (1394), *Women in the Qur'an*, Tehran, Research Institute of Islamic Culture and Education.
18. Ibn Abi al-Jumour, Muhammad bin Zainuddin, (1405 AH), *Awali al-Li'ali al-Aziziyya fi al-Ahadith al-Diniyah*, revised by: Mojtaba Iraqi, Qom, Dar Sayyed al-Shuhada'.
19. Ibn Ashur, Muhammad Ibn Tahir, (n.d), *Al-Tahrir wa al-Tanwir*, Beirut, Al-Tarikh Al-Arabi Institute.
20. Ibn Hayyun, Nu'man bin Muhammad al-Maghribi, (1385 AH), *Foundations of Islam*,

- Qom, Aal al-Bayt (AS) Foundation.
21. Ibn Shu'ba Al-Harrani, Hasan bin Ali, (n.d), Tuhaf al-Uqoul, Qom, Aal Ali.
  22. Karajaki, Muhammad bin Ali, (1385 AH), Kanz al-Fawa'id, revised by: Abdullah Ni'ma, Qom, Dar al-Zakha'ir.
  23. karimpoor Qaramaleki, A. (2023). An Analysis of the Qur'anic Foundations of Islamic Dress. The Quran: Contemporary Studies (Quranic New Studies), 2(4), 6-33. doi: 10.22034/qns.2023.16615.1034
  24. Khomeini, Ruhollah, (1374), The position of women in the thought of Imam Khomeini (RA), Tehran: Imam Khomeini's Works Editing and Publishing Institute.
  25. Khomeini, Ruhollah, (1378), Sahifeh Imam, Tehran: Imam Khomeini's Works Editing and Publishing Institute.
  26. Kiulaini, Muhammad bin Yaqub, (1388), Furou' Al-Kafi, Qom, Quds.
  27. Kulini, Muhammad bin Yaqub, (1407 AH), Al-Kafi, Tehran, Darul-Kutub al-Islamiyya.
  28. Majlisi, Muhammad Baqir, (1403 AH), Bihar al-Anwar, Beirut, Dar Ihya al-Turath al-Arabi.
  29. Makarem Shirazi, Nasir et al. (1374), Tafsir Nomooneh, Tehran, Dar al-Kitab al-Islami.
  30. Mehrizi, Mehdi, (1381), Women in the Words and Life of Imam Ali (AS), Tehran, Allameh Tabatabai University.
  31. Mehrpour, Hossein, (1384), Women's Rights, Tehran, Information Publications.
  32. Mirzaei, Hossein; Katebi, Mahnaz; Aghayari, Hossein (1394), "Investigation of the power distribution structure in Tabriz city families", Two Social Sciences Quarterly, spring and summer 1394, Vol. 1, pp. 69-94.
  33. Mohammadi, Morteza, (1380), "Women's rights and duties from the perspective of Islam", Rawaq Andisheh Quarterly, Vol. 3, pp. 80-96.
  34. Moin, Mohammad, (1386), Farhang Moin, 4th edition, Tehran, Adena Publications.
  35. Motahari, Morteza, (1376), Women's Rights System in Islam, Tehran, Sadra.
  36. Motahari, Morteza, (1384), the collection of works of Shahid Motahari, Sadra, Tehran.
  37. Nouri, Azam, (1390), "Investigation of women's employment from the perspective of Islam", Journal of Society, Vol. 85, pp. 16-20.
  38. Parsa, Forough, (1394), "A Feminist Reading of the Qur'an", Women's Journal, Vol. 4, pp. 51-71.
  39. Qandahari, Pardis, (1382), Women and power, an anthropological study of the arenas and examples of power in some Tehrani families, Tehran, Anthropology Research Institute, Cultural Heritage Organization.
  40. Qeraati, Mohsen, (1388), Tafsir Noor, Tehran, Cultural Center of Lessons from the Qur'an.
  41. Sadouq, Muhammad bin Ali, (1398 A.H.), Al-Tawhid, Qom, Qom Seminary Teachers Association.
  42. Saidian, Narges (1380), "Employment of women and changes in the status of women and families", Iranian Social Sciences Quarterly, No. 3, pp. 134-149.

43. Tabarani, Suleiman bin Ahmad, (1373 AH), Al-Mu'jam al-Kabir, Cairo, Dar Ihya Al-Turath al-Arabi.
44. Tabarsi, Hasan bin Fazl, (1412 AH), Makarim al-Akhlaq, Qom, al-Sharif al-Radhi.
45. Tabatabai, Seyyed Mohammad Hossein (1378), Women in the Qur'an, Qom, Hajar Publishing.
46. Tabatabai, Seyyed Muhammad Hossein (1417 AH), Al-Mizan fi Tafsir al-Qur'an, Qom, Islamic Publications Office of the Seminary Teachers Association.
47. Tassig, Mark et al. (1386), Sociology of Mental Illnesses, translated by: Ahmad Abdullahi, Tehran, Samt.
48. Zibaeinejad, Mohammad Reza, Sobhani, Mohammad Taghi (1388), A study on the female personality system in Islam, Qom, Office of Women's Studies and Research.

